



روش علمی برای تصحیح متون

مسعود فرزاد

اشاره :

- سیر ذهنی حافظ (شیراز: ۱۳۳۹)
- جامع نسخ حافظ (شیراز: ۱۳۴۷)
- حافظ؛ صحت کلمات و اصالت غزلیها (شیراز: ۱۳۴۹) ۲ جلد.
- قصاید، قطعات، رباعیات و مثنویات حافظ صحت کلمات و اصالت اشعار (شیراز: ۱۳۵۰ - ۱۳۵۵)، ۴ جلد.
- حافظ؛ گزاشی اثر نیمه راه (شیراز: ۱۳۵۲)
- فرزاد، مسعود، فرزند حبیب الله (۱۲۸۵ - ۱۳۶۰ ش)، شاعر، نویسنده، محقق، مترجم، مصحح و استاد دانشگاه. استاد فرزاد سالیان متدای به تحقیق و تصحیح دیوان حافظ اهتمام، و آرزو داشت این حاصل عمر را مروزی انتشار دهد. تا بالاخره دانشگاه شیراز انتشار آن را قبل کرد و گویا نه جلد آن منتشر شده بود که اجل مهلتش نداد تا چاپ غزلیات حافظ را که به همت والای او تصحیح شده و کانون جهانی حافظ شناسی شیراز تحت عنوان حافظ؛ گزاشی اثر نیمه راه طبع کرده بود. سرانجام در ۱۳۶۰ ش که برای معالجه به لندن رفته بود در آنجا درگذشت. فرزاد یکی از افراد گروه ادبی برهه بود که اثر صادق هدایت، مجتبی مینوی، بزرگ علوی و مسعود فرزاد تشکیل شده بود.
- فرزاد در کار ترجمه ادبیات انگلیسی مهارت و استادی داشت. ایشان ترجمه‌های بسیاری از داستانهای کوتاه اروپایی و اثر نربان انگلیسی دارد که در جراید و مجلات و یا در دوره افسانه به طبع رسیده است.

منابع :

- اثر آفرینان: نرندگی نامه نام آوران فرهنگی ایران (اثر آغاز تا سال ۱۳۰۰ ش) زیر نظر عبدالحسین نوایی (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹)، ج ۴، ص ۲۷۴.
- حافظ پژوهان و حافظ پژوهی / ابوالقاسم مرادفر (تهران: نشر گستره، ۱۳۶۸)، ص ۵۳ - ۵۵
- کتابشناسی حافظ / گردآورنده مهرداد نیکنام (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۷)، ص ۱۶، ۱۷ و ۲۱، ۷۱ و ۱۱۵.

آثار تحقیق و تصحیح ایشان به شرح ذیل است:

- چند نمونه اثر متن درست حافظ

- دل شیدای حافظ (تهران: ۱۳۱۹)

«محمود ارومیه چی ها»

با توجه روز افزونی که خوشبختانه به تصحیح متون فارسی و بالخصوص دواوین شعرای قدر اول ایران مبذول می‌شود، این حقیقت مسلم، به تکرار مورد اشاره قرار می‌گیرد که عمل تصحیح باید بر طبق روش علمی صورت پذیرد. اما گویی در تعریف «روش علمی» اختلاف نظر موجود است تا آنجا که اطلاع دارم چنین روشی در طی هیچ مقاله یا رساله فارسی مورد بررسی اصولی و جامع قرار نگرفته و توضیح کافی درباره مراحل و دقائق آن داده نشده است. به عقیده این جانب یکی از خدمات ارزنده این است که بر اثر بحث و فحص، نکات تاریک مربوط به این مسأله مهم، روشن و چراغی پیش پای محققان کنونی و آینده ایرانی گذاشته شود. از این رو به عنوان فتح باب به ارایه بعضی جزئیات که در ضمن کوشش چند ساله برای تصحیح متن حافظ به آن برخورد کرده‌ام، مبادرت می‌ورزم و امیدوارم آغازی، هر چند مختصر، برای پیشروی به سوی مقصدی، بی‌شک بزرگ، باشد و در این میان خود بنده از تبادل آرای سرآمدان فضل و ادب ایران استفاده کنم.

۲- از معلوم به سوی مجهول

در این جستجوی بزرگ، ناچار باید از آنچه معلوم و مسلم و در دسترس و اختیار ماست، شروع کنیم و بدون رها کردن دامان منطق علمی، قدم به قدم تا آنجا که امکان داشته باشد، به طرف مقصد - یعنی متن کامل و صحیح شاعر مورد نظر - سیر کنیم. به عبارت دیگر روشن است که قبل از آن که بتوانیم در جستجوی جواب‌ها بپریم، باید ببینیم سوال‌ها کدام است و طرح مسأله چیست.

۳- جمع‌آوری و قضاوت

نخستین قدم علمی در تصحیح متون آن است که توجه کنیم که کار به دو مرحله عمده مستقل که اولی جمع‌آوری و دومی قضاوت باشد، تقسیم می‌شود. از آن گذشته هر یک از این دو مرحله عمده به چند مسأله فرعی منشعب می‌شود که در ضمن همین گفتار، بعداً به هر یک از آنها اشاره خواهد شد.

۴- اختیار منابع

چون متن کامل و صحیحی از هیچ یک از شعرای درجه اول (بلکه درجه دوم و سوم نیز) در دست نداریم، واضح است که باید منابعی را اختیار کنیم و بر اساس آنها به کار تصحیح مشغول شویم. در این میان آنچه از

روش علمی می‌خواهیم، این است که ما را کمک کند که حداکثر استفاده‌ی ممکن را از منابع خود در این راه به عمل بیاوریم.

۵- جامعیت در برابر قدمت منابع

یکی از اولین مسایلی که برای هر مصحح پیش می‌آید، انتخاب منابع است. بنده خواستم به سهم خود ببینم آنچه به حافظ منسوب شده کدام و در کجا به حافظ نسبت داده شده و بالاخره چه چیز را باید تصحیح کرد؟ تمایل عده‌ای از محققان در این مرحله، به این است که قدیمترین نسخه آثار شاعر را به دست آورد و با توجه به چند نسخه دیگر که از حیث قدمت، کم یا بیش به ترتیب، بلافاصله پس از آن قرار داشته باشند و با چشم پوشیدن از عموم نسخ بعدی، متنی تهیه کنند. این روش البته اصولاً صحیح ولی در صورتی بی‌عیب است که اطمینان داشته باشیم که قدیمترین نسخه (حتی با کمک چند نسخه قدیم بعدی) اولاً عاری از غلط و ثانیاً شامل متن کامل اشعار شاعر مورد نظر است. اما متأسفانه چنین اطمینانی هرگز موجود نیست. مخصوصاً از نظر علمی، این سؤال پیش می‌آید که اگر قسمتی از متن اصیل شاعر (مثل بیتی و حتی کلمه‌ای) نخستین بار در یکی از متون بعدی ضبط شده بالنتیجه از متون قدیمتر فوت شده باشد، تکلیف محقق چیست؟ در مورد حافظ این امر به تکرار اتفاق می‌افتد و شخص ناچار معتقد می‌شود که جامع یا جامعان نخستین دیوان حافظ (یعنی شمس الدین محمد گل‌اندام یا هر کس دیگر) به تمام متن اشعار او (مثلاً بعضی از قصاید او) دسترس نداشتند و به مرور آیام از گوشه و کنار، قسمت‌های متفرق از متن اصیل اشعار حافظ (مخصوصاً اشعار غیر غزل او) به دست آمد و در دواوین زمان ضبط شد. بنابراین مقدمات، بنده به سهم خود صلاح در این دیدم که در مورد حافظ، منابع خود را به اقدام نسخ محدود نکنم؛ بلکه بکوشم که علاوه بر اقدام نسخ، چند نسخه متوسط و حتی جدید را نیز مورد مراجعه قرار دهم؛ به طوری که مجموعه منابع من روی هم رفته شامل تمام متن منسوب به حافظ در طی قرون باشد. آشکار است که تنها در چنین صورتی، احتمال ناقص بودن نتیجه کار کمتر است.

۶- محتویات جامع نسخ

پس از فراهم آوردن مجموعه نسبتاً مکملی از منابع، باید به تدوین کتابی که جامع‌نسخ عنوان مناسبی برای آن به نظر می‌رسد، شروع نمود و همه محتویات آن (مجموعه منابع) را در این کتاب جمع‌آورده به عبارت دیگر باید بر اساس آن (مجموعه منابع) واحدهای متنی ذیل را در جامع

در روش علمی، یکی از مهمترین نکاتی که باید رعایت شود، تشخیص مراحل جداگانه کار و تفکیک آنها از یکدیگر و رعایت توالی صحیح برای رسیدگی به هر یک از آنهاست.

الف - همه غزل‌های مختلف منسوب به شاعر
ب - همه ابیات مختلف منسوب به هر غزل
ج - همه نسخه بدل‌های منسوب به هر بیت

۷- منبع اساس جمع‌آوری

وقتی که مجموعه منابع ما شامل عدّه مکفی از نسخ قدیم (از جمله خود قدیم‌ترین متن موجود از اثر شاعر) باشد و هر غزل و بیت و کلمه به وسیله حروف الفبایی که هر یک از آنها نماینده یکی از این منابع است، نشانه‌گذاری شده باشد، دیگر فرقی نمی‌کند که کدام یک از این منابع به عنوان اساس و مبنای جمع‌آوری انتخاب شده است. زیرا حاصل جمع‌آوری به هر حال یکی خواهد بود. با وجود این البته مرجح است که در صورت امکان، رونوشتی از قدیم‌ترین متن عیناً تهیه شود و محتویات اضافی منابع دیگر (حتی المقذور به ترتیب قدمت نسبی هر منبع) بر آن افزوده شود.

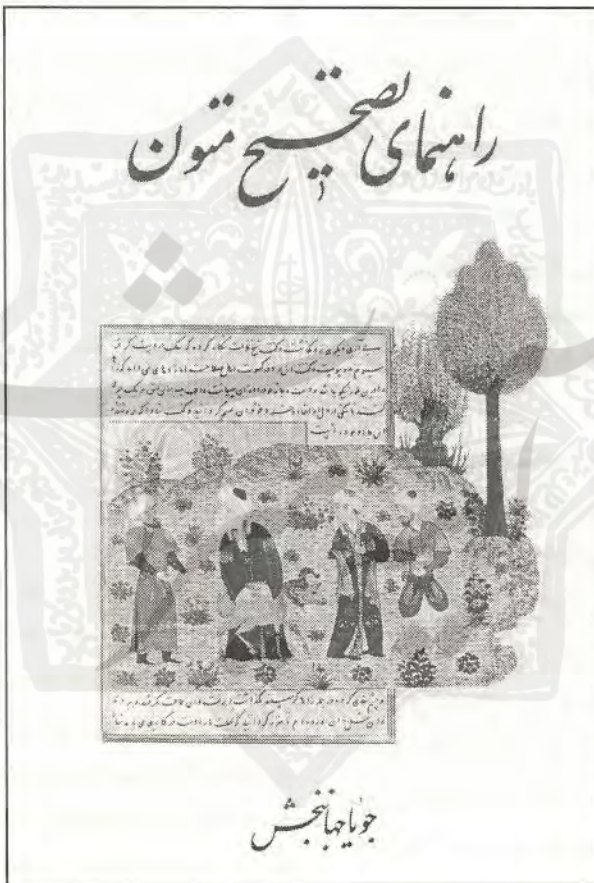
۸- بعضی فواید جامع نسخ

به این ترتیب تکمیل متن منسوب به حافظ در آینده از روی منابعی علاوه بر آنها که در وهله اول در اختیار ما بوده است، امکان‌پذیر بلکه آسان می‌شود. متقابلاً بر اثر مقابله با جامع نسخ می‌توان به سهولت و سرعت، ارزش متنی هر منبع دیگر را معین کرد یعنی دریافت که در آن منبع، کدام کلمات یا ابیات یا غزل‌های تازه که به حافظ منسوب شده است، یافت می‌شود. جامع نسخ هر شاعری خواهد کوشید که آئینه تمام‌نمای متن منسوب به او باشد و مانند هر دایرة

المعارف اختصاصی (سیکلوپدی) کتابی است که مخصوص مراجعه درباره یک موضوع کاملاً فنی (که در این مورد عبارت از متن منسوب به این شاعر است) تنظیم شده جواب مسایل راجع به انتساب غزل‌ها و ابیات و کلمات را به شاعر برای هر پژوهشگری فراهم می‌نماید.

۱۰- تکلیف درباره اغلاط آشکار

محقق باید در ضمن اشتغال به طی مراحل جمع‌آوری تعمد داشته باشد که از تصحیح (حتی تصحیح آنچه به نظر او غلط ساده و آشکار است) خودداری کند؛ زیرا در سرتاسر مرحله جمع‌آوری، هنوز نوبت قضاوت فرا نرسیده است و قصاص قبل از جنایت (یا به تعبیر امروزه، مجازات قبل از محکومیت) روا نیست. کار ماشینی ولی دقیق و مهم جمع‌آوری که به پایان رسید، نوبت تصحیح فرا می‌رسد و در آن هنگام است که باید اغلاط را اعم از آشکار و غیر آن، با ذکر منابع و دلایل، حذف کرد. ولی این هست که پس از طی نخستین مرحله تصحیح کلمات سرتاسر متن شاعر، به ضبط کلمات آشکارا غلطی که در منابع دیگر دیوان شاعر پیدا شود دیگر احتیاجی در میان نیست و در این وهله ثانی باید فقط و لااقل بحث‌انگیز است، به جامع نسخ افزوده شود. اما معتقدم که باز مرجح است که جمع‌آوری همه غزل‌ها و ابیات تازه که منسوب به شاعر باشد، ادامه داده شود.



۱۱- مساله توالی غزل‌ها

غزل‌ها را در دیوان شاعر به چه ترتیب دنبال یکدیگر قرار بدهیم؟ برای بنده جای تعجب است که جواب این سؤال هنوز، چنان که باید و شاید، برای بعضی از محققان ما روشن نیست.

چاپ شد، همین ترتیب الفبایی توأم حرف آخر و حرف ما قبل آخر بیت، نخستین بار در زبان فارسی رعایت شد و بعدها در بعضی از کتب شعر پیروی شده است.

۱۵ - توالی غزل‌ها بر اساس زمان انشاء

نگارنده همین ترتیب را عجلتاً راه حل علمی برای این مسأله می‌دانم و ضمناً متذکر می‌شوم که بالمآل باید با مطالعات دقیق انتقادی و تاریخی، ترتیب غزل‌های حافظ از حیث تقدّم و تأخّر زمان انشاء هر یک معلوم شود و دیوانی که غزل‌ها در آن به ترتیب اخیر نظم یافته باشد، به چاپ برسد. ولی این، امری مشکل و مستقل و برعهده فرداست.

۱۶ - نشانه گذاری

جمع‌آوری، ناچار باید با نشانه‌گذاری همراه باشد یعنی به وسیله همان حروف منفرد الفبایی که هر یکی از آنها نشان یکی از منابع تحقیق ماست، باید معین کنیم که هر غزل و هر بیت و هر نسخه بدل در کدام منبع یا منابع ضبط شده است؟ خود این نشانه‌گذاری ضمناً معین می‌کند که قدیمترین منبعی که آن غزل یا بیت یا کلمه را ضبط کرده، کدام است و همچنین به ما می‌گوید که چند منبع دیگر (در کدام تاریخ‌ها و با چه فواصل زمانی) آن ضبط را تکرار کرده‌اند؟

۱۷ - حروف پانزده‌گانه

در الفبای فارسی، پانزده حرف داریم که از حیث شکل با یکدیگر تفاوت بارز دارد و احتمال اشتباه شدن آنها با یکدیگر در ضمن نگارش و چاپ خیلی کم است. از این رو، برای نمایندگی منابع تحقیق بسیار مناسب است. حروف مزبور از این قرارند:

ب ج د س ص ط ع ف ق ل م ن ه ی

پس به نمایندگی این حروف، می‌توان در تحقیق راجع به متن هر شاعری، پانزده منبع مختلف را مورد استفاده قرار داد و تا شانزدهمین منبع به ترکیبات دو حرفی یا بیشتر برای نمایاندن منابع احتیاجی در میان نخواهد بود. این امر در حدّ خود، به سادگی و روشنی و کوتاهی کتاب تحقیقی کمک خواهد کرد.

۱۸ - تطابق توالی منابع و نشانه‌ها

همچنین به نظر من مرجح است که از یک طرف منابع به ترتیب دقیق یا تقریبی تاریخی دنبال یکدیگر قرار داده شود و از طرف دیگر در

چنان که از مقدمه گل‌اندام بر دیوان حافظ بر می‌آید، نخستین جامع دیوان که منتهای سی و دو سال پس از مرگ حافظ (یعنی تاریخ کتابت نسخه هند متعلق به هاشم علی سبزه‌پوش) به جمع‌آوری اشعار حافظ اقدام کرد، با «اشتات غزلیات» مواجه شد و به «تبویب این ابواب» همت گماشت. به عبارت دیگر این شخص برای نخستین بار، غزل‌ها را به ترتیب الفبایی حرف آخر ابیات مرتب کرد.

۱۳ - حرف آخر بیت و حرف اول مطلع

چندی بعد، چون غزل‌های مختوم به بعضی از حروف (مخصوصاً: ت، ده، ر، م، ی) متعدد بود، برای این که یافتن غزل‌ها در این گروه‌ها آسانتر شود، این ترتیب اتخاذ شد که در گروه غزل‌های مختوم به حرف واحد، ترتیب الفبایی نخستین حرف مطلع نیز در نظر گرفته شود. از این قرار در گروه غزل‌های مختوم به حرف دال آنها که با الف شروع می‌شود، مثلاً «اگر آن طاهر قدسی ز دم باز آید» در آغاز گروه و غزل‌هایی که با حرف ی شروع می‌شود، مثلاً «یاد باد آن که سر کوی توأم منزل بود» در پایان گروه قرار داده شد. این پیشرفت بزرگی بود ولی باز بهترین ترتیب نبود؛ زیرا گاهی خواننده، نخستین کلمه مطلع را به خاطر نداشت و یا آن که نسخ، کلمات مختلف را به عنوان نخستین کلمه مطلع ضبط کرده‌اند، مانند: «حافظ خلوت نشین دوش به میخانه شد» که در بعضی نسخ کلمه «زاهد» به جای «حافظ» ضبط شده است. این موضوع، خواننده عمومی را که از این اختلاف قرائت بی‌خبر است، سرگردان می‌کند.

۱۴ - حرف آخر و حرف ما قبل آخر بیت

در حدود چهل سال قبل که نگارنده با همین مسأله (یعنی بهترین ترتیب برای توالی غزل‌ها در دیوان) مواجه شدم، بالاخره به این نتیجه رسیدم که بهتر است ترتیب الفبایی را نه تنها برای حرف آخر بلکه برای حرف ما قبل آخر نیز در بیت رعایت کنیم. در این صورت در گروه غزل‌های مختوم به حرف واحد (مانند د)، آنها که حرف ما قبل آخرشان الف است، مانند «شراب و عیش نهان چیست کار بی‌بنیاد»، در آغاز، و غزل‌های مختوم به دال که حرف ما قبل آخرشان می‌می باشد مانند «معاشران گره از زلف یار باز کنید» در آخر همان گروه غزل ضبط می‌شود. این ترتیب کار، پیدا کردن غزل‌ها را به اندازه‌ای آسان می‌کند که در حقیقت دیوان حافظ (یا هر شاعر دیگر) از داشتن فهرست غزل‌ها بی‌نیاز می‌گردد. در بیست و چهار صفحه‌ای که از جامع نسخ حافظ در سال ۱۳۱۷ شمسی در تهران

انتخاب حروف الفبایی برای این منابع تقدّم و تأخّر در الفبای فارسی ملحوظ شود. مثلاً «ب» برای اقدم نسخ و «ج» برای قدیمترین نسخه که بلافاصله بعد از آن واقع است و در صورتی که عدّه منابع، پانزده تا باشد «ی» برای جدیدترین منبع و برای نسخه ماقبل آخر از حیث قدمت به کار رود. در این صورت خود حروف تا حدّی میزان قدمت منابع را نسبت به یکدیگر در ضمن تحقیق، برای مصحّح (و پس از چاپ برای پژوهشگران دیگر) روشن کرده، به تسهیل و تشخیص و قضاوت کمک خواهد کرد.

۱۹- حرف منفرد برای هر منبع

نیز لزومی ندارد که علامت منبع با محل نگاهداری منبع یا نام صاحب آن یا خصوصیات دیگر مربوط باشد. در مقدّمه کتاب تحقیقی، در محلی که موقوف به معرفی منابع است، این توضیحات به نحو شایسته داده می‌شود و حرف منفرد الفبایی که برای نمایندگی آن منبع اختیار شده است، ذکر می‌شود.

۲۰- نشانه‌های غیر علمی

بنده یک نسخه به اصطلاح مصحّح را می‌شناسم که علامت یکی از منابع آن، یک حرف ساده الفبایی مانند «ج» است؛ ولی علامت یکی دیگر از منابع آن، عبارت از یک لقب کامل قدیمی مانند «مشیر خاقان» می‌باشد!! همچنین در کتابی دیگر نشان بعضی از منابع، عبارت است از یک علامت شبیه به ابرو و بالای آن دو حرف الفبایی توأم. به نظر این جانب اصولاً در این مورد، یک حرف الفبایی کافی است. از آن گذشته علامت شبیه به ابرو بالای آن دو حرف توأم نه تنها بیهوده است بلکه قدری مضحک هم هست. کسی که چنین علامت مفصل و پیچیده‌ای را بر یک حرف ساده که کاملاً برای ادای مقصود کافی است، مرجح بداند با آن سادگی و درستی و روشنی که لازمه روش علمی است، فکر نمی‌کند و باید انتظار داشت که همین کج فکری در مراحل دیگر تحقیق او نمایان شود و تحقیق او را از روش علمی خارج کند.

۲۱- محل صحیح نسخه بدل‌ها

از جمع‌آوری و نشانه‌گذاری گذشته، محقق باید در مرحله قبل از آغاز تصحیح (و درحقیقت در مرحله موقوف به فراهم آمدن مقدمات لازم برای تصحیح) درباره محل ضبط نسخه بدل‌ها فکر صحیحی بکند. محلی که در اغلب موارد برای نسخه بدل‌ها اختیار می‌شود، عبارت از یادداشت پای صفحه‌های کتاب است، ندرتاً نسخه بدل‌ها (بالاخص در کتب چاپی خیلی

قدیم) در حاشیه دست راست یا دست چپ صفحات (به اصطلاح هامش) ضبط می‌شود که در کار چاپ کتاب (مخصوصاً با حروف سربی) از حیث عرض صفحات، مشکلات غیر لازم ایجاد می‌کند و از آن گذشته در مواردی که نسخه بدل‌ها زیاد باشد، جای کافی برای ضبط آن به دست نمی‌دهد. بالاخره بعضی از محققان، نسخه بدل‌ها را به صفحات مستقل در اواخر کتاب، بعد از پایان متن، منتقل می‌کنند.

بنده در مورد حافظ، روشی روشنتر بلکه صحیح‌تر برگزیدم: یک متن را از نظر جمع‌آوری اساس قرار دادم و عیناً - منتها با فاصله چهار یا پنج سطر میان ابیات - رونویسی کردم و سپس در ضمن مقابله با هر یک از منابع دیگر، هر اختلاف قرائت را در سطر مستقل مستقیماً در زیر کلمه مربوط که در متن اساس آمده است، جای دادم. معتقدم که فقط در این صورت است که پژوهشگر قادر خواهد بود جواب سوالات متنی مهم ذیل را به نظر بیابد:

الف - برای هر قسمت از متن هر بیت نسخه بدل یا نسخه بدل‌هایی در منابع تحقیق آمده است یا نه؟
ب - اگر آمده است کدام یا کدام‌هاست.

ج - و در هر صورت، هر نسخه بدل در کدام منبع یا منابع ضبط شده است. عمل قراردادن هر یک از نسخه بدل‌ها، در سطر مستقل و درست در زیر کلمه مربوط که در متن اساس جمع‌آوری ضبط شده است، فقط در یک نوبت به توسط محقق در ضمن تدوین کتاب جامع نسخ انجام می‌پذیرد. ولی اگر این اصل در تدوین جامع نسخ رعایت نشود، هر پژوهشگر در هر نوبت مراجعه مجبور خواهد بود چشم و به دنبال چشم، ذهن خود را وادار به حرکت میان متن و حاشیه پای صفحه (یا هامش یا صفحه دیگر کتاب) وادار کند.

۲۲- عدّه معدل نسخه بدل‌ها

فاصله چهار پنج سطر میان ابیات، برای آن لازم است که (لااقل در مورد حافظ) عدّه قرائت‌های مختلف که برای موضع واحد در نسخ ضبط شده است به طور معدل چهار یا پنج است. از این رو فاصله مزبور برای ضبط اغلب موارد اختلاف قرائت کافی است. تصوّر من، این است که مواردی که عدّه قرائت‌های مختلف برای موضع واحد متن بیش از چهار باشد از ده درصد مجموع موارد اختلاف قرائت کمتر است.

۲۳- نسخه بدل خواننده عمومی و پژوهشگر

آسکار است که ضبط نسخه بدل‌ها برای خواننده عمومی، یک عمل

بی‌مورد و بیهوده‌ای است؛ زیرا خواننده عمومی حوصله مذاقه در نسخه بدل‌ها را ندارد بلکه در حقیقت انتظار دارد که منتقدان، وظیفه خطیر خود را که عبارت از تصحیح متن است قبلاً انجام دهند و در حدود توانایی خویش، یک متن منقح و بی‌نسخه بدل برای او ترتیب داده باشند. پس روشن است که نسخه بدلی که در هر جای کتاب غیر از زیر هر کلمه مربوط در متن اساس (چه پاورقی صفحه، چه هامش و چه صفحه دیگر کتاب) ضبط شده باشد، نه به درد خواننده عمومی می‌خورد و نه به درد پژوهشگر.

۲۴- مراحل قبل از تصحیح

جمع‌آوری متن و تنظیم توالی غزل‌ها و نشانه‌گذاری و قراردادن نسخه بدل‌ها در محل صحیح خود، چهار مرحله علیحده ولی مربوط به یکدیگر است که مجتمعاً زمینه و اساس لازم را برای طی مراحل مختلف قضاوت و تصحیح فراهم می‌نماید. تاکنون استقلال و اهمیت این چهار مرحله و شیوه تحقیق در آن باب، درست تشخیص داده نشده است. ضمناً هر چهار مرحله مزبور را می‌توان (بلکه باید) در عمل توأم کرد و حاصل را به شکل کتاب واحد که همان جامع نسخ باشد، درآورد. تا وقتی که جامع نسخ به نحو رضایت‌بخشی برای متن هر شاعری تدوین نشده باشد، امکان ندارد که بتوانیم با اطمینان کافی، مراحل متعدد تصحیح متن او را آغاز کنیم. شاید یکی از اشتباهات سابقین ما در کار تصحیح متون، همین غفلت از تدوین جامع نسخ از یک طرف و مخلوط کردن مرحله جمع‌آوری با مرحله قضاوت از طرف دیگر بوده است.

۲۵- لزوم اقامه دلایل

بعضی از محققان، در مواردی به ذوق و استنباط شخصی خود اکتفا کرده بی‌آنکه سند و دلیل و برهانی ارائه کنند، درباره صحت یک کلمه یا اصالت یک بیت یا غزل و یا مردود بودن قضاوت محقق دیگر، حکمی قطعی کرده‌اند؛ غافل از آن که چیزی که برای یک محقق، مسلم و معلوم است، ممکن است برای محقق دیگر چنین نباشد. از این رو لازم است که هر مصححی همراه هر مورد قضاوتی که به عمل می‌آورد، همه منابع و دلایل خود را ذکر کند.

۲۶- ذوق شخصی

از طرف دیگر، اگر ذوق شخصی با استناد به قرائن مربوط حکمی کند که از نظر لفظ و معنی و سنخیت با سبک شاعر کلمه مطلوب را به دست بدهد، باید از آن استقبال کرد و جز با اتکاء بر حکم کتب معتبر لغت فارسی و کتب معتبر دستور زبان فارسی و شواهد از سایر اشعار خود شاعر نمی‌توان

حکم بر بطلان آن رأی صادر کرد.

۲۷- تصحیح قیاسی

اینجاست که بی‌مناسبت نمی‌دانم چند کلمه درباره تصحیح قیاسی بگویم. بر من معلوم نیست که به چه علت تصحیح قیاسی (که منحصر به میحث صحت کلمات نیست بلکه شامل موضوع اصالت و توالی ابیات نیز می‌شود) موجب وحشت عده‌ای شده است. به نظر من، آنجا که جمیع منابع فاقد ضبط رضایت‌بخشی باشند، مصحح حق دارد بلکه موظف است که بنا بر قرائن مربوط (من جمله سیاق معنی) فرضیه‌ای پیشنهاد کند، اگر رأی او بالمال مورد قبول واقع نشود، به خودی خود به دست فراموشی سپرده می‌شود. ولی اگر مورد قبول واقع شد، مسأله‌ای را که منابع از حل آن عاجز بوده‌اند، حل می‌کند و این بسیار مغتنم است. به هر حال تصحیح قیاسی (و به عبارت دیگر پیشنهاد ابتکاری برای تصحیح متن) ضرری به جایی نمی‌زند. در هر عملی، پدید آوردن تئوری یا فرضیه جدید، بر فرض هم که بعداً ثابت شود که فرضیه صحیحی نبوده است، در حد خود ممدّ پیشرفت آن علم است.

۲۸- قدمت تاریخ کتابت و قدمت متن

قدمت تاریخ کتابت، نه تنها ضامن صحت متن نیست، حتی ضامن قدمت متن هم نیست. زیرا حداکثر کاری که قدمت تاریخ کتابت می‌تواند بکند، این است که حداقل قدمت متن را معین کند یعنی به ما اطمینان بدهد که آن متن بخصوص از آن تاریخ کتابت جدیدتر نیست. ولی نمی‌تواند تاریخ اصلی متنی را که نسخه مورد بحث از روی آن نوشته شده است، به ما بگوید. از طرف دیگر کاملاً ممکن است که متنی قدیمتر از متن اصلی همان نسخه در تاریخی جدیدتر از تاریخ کتابت آن نسخه تحریر شده باشد.

۲۹- قدمت متن و صحت متن

ضبط هر نسخه (اعم از این که نسخه در چه تاریخی کتابت شده باشد) فقط در صورتی که صحیح باشد، معتبر است و صحت کلمه بالمآل از روی فرهنگ‌های معتبر زبان فارسی و کتب معتبر دستور زبان و بر اساس شواهد دیگر از اشعار خود شاعر معین می‌شود؛ نه از روی تاریخ کتابت فلان نسخه خطی. ضبط غلط در نسخه قدیم فقط مثال و نمونه‌ای به دست می‌دهد از این که اشتباه ممکن است در نسخه قدیم نیز راه یافته باشد و تأیید می‌کند که اتکای بی‌تعقل و بنده‌وار بر قدمت تاریخ کتابت به هیچ وجه با موازین روش علمی مطابقت ندارد.

اشتباهات متعدّد حتّی در نسخه پانزده ساله بعضی از غزل‌های حافظ که به کوشش خانم کلثوم حلیم اف (گالیمووا) در شهر دوشنبه (تاجیکستان) به چاپ رسیده است، مشاهده می‌شود. ضمناً می‌توان پرسید اگر حال نسخه پانزده ساله حافظ چنین باشد، حال نسخه دویست و پنجاه ساله شاهنامه (که عجلتاً اقدم نسخه این کتاب بزرگ است) از چه قرار است و تا چه اندازه می‌توان برای آن اعتبار قایل شد.

۳۰- مراحل چهارگانه تصحیح

پس از تدوین جامع نسخ و فقط پس از تدوین این کتاب است که می‌توان دست به کار تصحیح متن شاعر شد. اما خود تصحیح نیز شامل چند مرحله مختلف و مستلزم چند عمل مجزاً است. در مورد حافظ آنچه بنده دیده‌ام، لااقل چهار تصحیح علیحده به شرح ذیل انجام باید داد:

اول - باید معین کرد که از میان غزل‌های مختلف منسوب به شاعر به اغلب احتمال کدام‌ها اصیل، کدام‌ها مشکوک و بالاخره کدام‌ها مردود هستند. برای این منظور می‌توان از مجموع قراین ذیل استفاده کرد:

۱ - ضبط در اقدم نسخ

۲ - ضبط در اغلب نسخ

۳ - برابری غزل از حیث پایه شعری با غزل‌های مسلّم شاعر

۴ - متجانس بودن غزل از نظر مطلب و مفهوم با غزل‌های مسلّم شاعر.

دوم - باید معین کرد که در هر مورد که دو کلمه یا بیشتر برای محل واحد در هر مصرع آمده است کدام یکی صحیح یا لااقل اصح است. کلمه مختار در هر مورد باید دارای جمیع خصوصیات ذیل باشد:

۱ - معنی درست را برساند (با استناد به کتب معتبر لغت فارسی).

۲ - دارای وضع دستوری صحیح باشد (با استناد به کتب معتبر دستور زبان فارسی).

۳ - از نظر متن کلمه مناسب و لازمی باشد (با توجه به حکم و سیاق معنی در سرتاسر بیت).

۴ - به سبک شاعر باشد (با استناد به ابیات مسلّم دیگر در دیوان شاعر).

فقط در صورت جمع بودن همه این شرایط در دو کلمه مختلف، آن یکی که در نسخه قدیمتر یا عده بیشتری از نسخ ضبط شده باشد، مرجح است.

سوم - در هر غزل باید معین کرد که از میان ابیات منسوب به آن، کدام‌ها اصیل، کدام‌ها مشکوک و کدام‌ها مردود هستند. ملاک‌های عمده قضاوت در این مورد به نظر من چنین است:

۱ - ضبط در اقدم نسخ

۲ - ضبط در اغلب نسخ

۳ - متناسب بودن پایه و سبک شعر با پایه و سبک اشعار مسلّم شاعر

۳ - وجود سنخیت میان مطلب بیت با مطالب باقی غزل

چهارم - باید معین کرد که ابیات اصیل غزل به چه ترتیب دنبال یکدیگر واقع شده‌اند و به عبارت دیگر هر یک از آنها، چندمین بیت در غزل است.

۳۱- جداول تطبیقی

برای تعیین اصالت ابیات غزل حافظ و نیز تعیین محلّ هر بیت در غزل، تا آنجا که دیده‌ام، تنظیم جداولی دارای ستون‌های مختلف که در هر ستون عده و ترتیب ابیات منسوب به هر غزل در یکی از منابع ضبط شده باشد، مفید است. البته ضبط منابع مختلفی که از حیث عده و متن و ترتیب ابیات در غزل مورد تحقیق با یکدیگر یکسان باشند، در ستون واحد قرار خواهد گرفت. مقایسه این ستون‌ها با یکدیگر (و به عبارت دقیقتر مطالعه محل تطبیقی هر بیت در ستون‌های مختلف در چنین جدولی) تا حدّی به محقّق کمک می‌کند که به قضاوت بالنسبه صحیح و در همان حال، مستندی درباره اصالت و نیز درباره محل بیت در غزل نایل شود.

۳۲- هر بیت روی باریکه کاغذ جداگانه

علاوه بر این جداول تطبیقی، بنده به سهم خود دیده‌ام مفید است که هر یک از ابیات منسوب به غزل مورد تحقیق روی باریکه کاغذ علیحده نوشته شود و سپس شماره ترتیب هر بیت در نسخه اساس روی آن باریکه کاغذ قید شود. همچنین به وسیله‌ی حروف الفبایی که نماینده منابع تحقیق هستند، در روی همان باریکه کاغذی معین شود که هر بیت در کدام منابع ضبط شده و در کدام منابع ضبط نشده است. بالاخره مفید است که در محل دیگری روی باریکه کاغذ (مثلاً در دست چپ) دو سه کلمه درباره مطلب کلی بیت قید شود. سپس این باریکه‌های جداگانه روی میز بر مبنای ترتیب ضبط ابیات در نسخه اساس قرار داده شود و ابیات ضبط شده در منابع، علاوه بر نسخه اساس دنبال آنها جای داده شود. بر اثر مطالعه این باریکه‌ها و پس و پیش کردن آنها در روی میز می‌توان آزمایش‌های مختلف و مفید برای خارج کردن ابیات غیر اصیل و تعیین محل درست ابیات اصیل و همچنین روشن کردن طرح غزل انجام داد.

۳۳- طرح غزل

در مورد حافظ، کار محقّق با تشخیص اصالت و تعیین محل ابیات

غزل پایان نمی‌پذیرد. به نظر بنده بعد از نیل به متن صحیح غزل چند کار می‌ماند که از آن جمله تعیین طرح ابیات در غزل می‌باشد. توضیحاً معروض می‌دارم که ابیات حافظ در اغلب غزل‌های او قابل تقسیم به گروه‌هایی است که ارتباط معنوی ابیات در هر گروه با یکدیگر به میزان خاصی زیاد باشد. متقابلاً میان هر گروه با گروه قبل از آن یا بعد از آن فاصله ذهنی بارزی مشهود است. به عبارت دیگر حافظ با وجود حفظ آزادی هنری و شاعرانه، طوری غزل ساخته است که می‌توان با اتکاء بر معنی ابیات و میزان ارتباط کمتر یا بیشتر آنها با یکدیگر، غزل را به گروه‌های مشخص ابیات تقسیم کرد. جالب است که این گروه بندی در موارد متعدّد، مطابق با یک طرح هندسی که دارای تقارن کامل یا تقریباً کامل است، درمی‌آید. البته هر یک از این طرح‌ها، در آغاز منحصر به پیشنهاد یک محقق منفرد است و کاملاً ممکن است که شخص دیگری بتواند طرحی بهتر از آن برای همان غزل پیشنهاد کند. از آن گذشته اساساً قبول این مطلب که هر غزل حافظ دارای طرحی هست یا نیست (یعنی فاصله میان همه ابیات آن مساوی هست یا نیست) بسته به سلیقه هر فرد حافظ دوست است. فقط خواستیم یادآور شوم که احتمال وجود طرح در غزل‌های حافظ (یا به عبارت دقیقتر، قابلیت تنظیم ابیات هر غزل حافظ بر طبق یک طرح کم و بیش متقارن) خود یک مسأله تحقیقی و هنری بسیار جالبی است. به هر حال تنظیم هر طرح معقولی برای یک غزل حافظ چیزی بر لطف و روشنی غزل می‌افزاید و هیچ از مزایای لفظی و معنوی آن نمی‌کاهد.

۳۴- توضیح زمینه انشاء غزل

کار دیگری که بعد از تصحیح متن هر شاعر باید انجام داد، آن است که به نحوی که مقرون به واقع‌بینی و بر اساس کلام خود شاعر باشد، حتی‌المقدور روشن کنیم که چه مقدمات و مطالبی در زندگی برون‌ی و درونی شاعر فراهم شد که شاعر، آنها را بالمآل مایه برای نگارش آن غزل قرارداد. به عبارت دیگر باید در ضمن یک شرح تحلیلی به نثر ساده (که ممکن است برای هر غزل در حدود نیم صفحه تا یک صفحه بشود) شأن انشاء غزل را روشن کرد.

۳۵- نکات اضافی

در تکمیل این شرح است که باید هرگونه نکات تاریخی و شرح حالی و ادبی و لغوی و دستوری قابل ذکری هم که به مناسبت متن هر یک از ابیات غزل به نظر محقق می‌رسد، محض مزید روشنی ذهن خواننده

عرضه شود تا مجموعاً به خواننده کمک کند که زمینه و مفهوم غزل را بهتر درک کرده به همان میزان بیشتر استفاده کند و لذت ببرد.

۳۶- تفسیر عرفانی

بالاخره کار عظیم و مشکل تفسیر عرفانی غزل‌های شاعر در پیش است که باید پس از فراهم شدن همه این مقدمات تحقیقی و به دست آمدن متن نهایی یا تقریباً نهایی غزل‌های او آغاز شود.

۳۷- نردبان دوازده پله

به طور خلاصه، من تحقیق راجع به متن هر یک از شعرای عمده فارسی را نردبانی دارای دوازده پله به شرح ذیل می‌دانم:

الف - قبل از تصحیح: مرحله جمع آوری:

۱ - جمع آوری (غزل‌ها، ابیات، نسخه‌بدل‌ها)

۲ - تنظیم توالی غزل‌ها بر اساس ترتیب القیابی توأم حرف آخر و حرف

ما قبل آخر در بیت

۳ - نشانه‌گذاری (غزل‌ها، ابیات، نسخه‌بدل‌ها)

۴ - تعیین محل نسخه بدل‌ها (در سطر مستقل درست زیر کلمه

مربوط در متن اساس)

ب - تصحیح و قضاوت

۵ - تشخیص اصالت غزل‌ها (تقسیم آنها به اصیل و مشکوک و

مردود)

۶ - تصحیح کلمات

۷ - تشخیص اصالت ابیات (تقسیم آنها به اصیل و مشکوک و مردود)

۸ - تعیین توالی ابیات در غزل

ج - بعد از تصحیح - مراحل تکمیلی انتقادی

۹ - تنظیم طرح غزل

۱۰ - شرح زمینه انشاء غزل

۱۱ - ذکر نکات تاریخی، شرح حالی، لغوی، دستوری و ادبی

۱۲ - تفسیر عرفانی

۳۸- به پیروی از نمونه حافظ

تا اینجا اگر سخن بیشتر از حافظ رفت، فقط برای آن بود که نمونه مشخص و روشنی از دقایق و مراحل روش علمی برای تصحیح متن یکی از شعرای بزرگ غزل سرای ایران به دست داده شود. ناگفته مسلم است که روش علمی برای تصحیح متن همه شعرای بزرگ ما اصولاً یکی است

۴۲- بانک میکرو فیلم های کتب فارسی

چقدر خوب می شد اگر دولت ایران تصمیم می گرفت که از همه نسخ خطی فارسی در جهان (بالاخص در هندوستان و پاکستان و ترکیه) چه در کتابخانه های عمومی و چه در مجموعه های شخصی به فوریت هر چه تمامتر، میکرو فیلم تهیه شود و در ایران در مرکز مخصوصی نگاهداری شود. نیز هر چه زودتر عده ای مکفی از ایرانیان واجد صلاحیت به کاتولوگ کردن آنها گماشته شوند تا لااقل بدانیم چه داریم و چه نداریم. برای کاتولوگ کردن این نسخ، اعزام ایرانیان به خارجه کاری پر خرج و بیچیده و غیر عملی است. از طرف دیگر نمی توانیم منتظر بنشینیم تا غیر ایرانیان در خارج از ایران، این امر را انجام بدهند زیرا بر فرض هم که این کار به نحوی مطلوب از ایشان ساخته باشد، سال های دراز در حصول این مقصود تأخیر روی خواهد داد. مخصوصاً در هندوستان و پاکستان جای شک نیست که رطوبت هوا، و حشرات کاغذ خوار مقدار معتناهی از آثار ارزنده فارسی را تاکنون از میان برده اند و در همین لحظه نیز به ادامه این کار ناهنجار مشغول هستند. پس تکرار می کنم که این مسأله از نظر فرهنگ ایران به دلایل متعدد، دارای منتهای اهمیت و فوریت است.

۴۳- دورنمای آینده

بالاخره چون بشر جایز الخطاست، نمی توان متوقع بود که در این میان، اشتباهاتی رخ ندهد. ولی تا هنگامی که امور اساسی جمع آوری، نشانه گذاری، تنظیم نسخه بدل ها، تصحیح کلمات، تشخیص اصالت غزل ها و ابیات، و تعیین توالی ابیات و کارهای تکمیلی انتقادی درباره همه شعرای بزرگ و متوسط ما به پایان نرسیده است حتی دقیقه ای و ذره ای نباید از کوشش دست برداشت. دیگران (مخصوصاً آیندگان) به نوبت خود نقایص کار ما را تکمیل و اشتباهات ما را رفع خواهند کرد.

پی نوشت

۱. گوهر، سال دوم، شماره دهم، [شماره پیاپی ۲۲] (دی ماه ۱۳۵۳) ص ۸۸۵.

و اغلب این مسایل نوعاً یا عیناً در مورد متن هر شاعر دیگر ایرانی پیش می آید؛ منتها بسته به این که شاعر مثنوی سر، غزلسرا، قصیده سر، رباعی گوی یا دو بیتی ساز باشد، بعضی از جزئیات کار فرق می کند. تنها نکته ای که می خواهم اینجا متذکر شوم، این است که گمان می کنم تصحیح غزل مشکلتر از تصحیح داستان است؛ زیرا در داستان مسأله توالی ابیات به شکل ساده تر عرضه می شود و حل آن آسانتر است. همین مطلب در مقام مقایسه تصحیح غزل با تصحیح قصیده نیز صدق می کند و در مورد رباعی و دو بیتی البته مسأله توالی ابیات اصلاً پیش نمی آید.

۳۹- مسأله کاملاً ایرانی

تصحیح متن شعرای قدر اول ما یک مسأله کاملاً ایرانی است. جای انکار نیست که تصحیح این متون، مستلزم اعلا حد آشنایی با سوابق و دقایق زبان و ادبیات فارسی است که کسب آن را نمی توان از هیچ شخص غیر فارسی زبان انتظار داشت. حتی در میان فارسی زبانان نیز فقط عده انگشت شماری از ادبا، واجد صلاحیت برای اقدام به چنین امر خطیری هستند. منجمله ایرانیانی که فاقد شم شعر باشند، از عهده این کار بر نمی آیند. اما هر گونه کمک دواطلبانه از جانب خارجیان علاقمند را باید مغتنم بشماریم. از آن گذشته می توانیم در کار تصحیح متون از تجربیات عمیق و وسیع خارجیان در همین زمینه (منجمله از روش انگلیسی ها در تصحیح متن شکسپیر) استفاده هایی بکنیم.

۴۰- سجایای محقق

شک نیست که عده ای تحقیق دوست لازم داریم که تحقیق را به خاطر پیشرفت علم بخواهند، قانع و پرکار و فروتن و دقیق و امین و شریف باشند، نه حرص مال داشته باشند نه شهوت مقام، نه رئیس فریب باشند و نه عوام فریب.

۴۱- آرامش در محیط تحقیق

دیگر این که محیط تحقیق باید به آرامش، مقرون و از آشوب، مصون باشد و گرنه محقق نمی تواند کار خود را بکند. کسانی که به هر دلیلی یک محیط متشنج فرهنگی ایجاد می نمایند، به فرهنگ و اجتماع ایران ناخدمتی می کنند. انتقاد مثبت (هر قدر هم با صراحت توأم باشد) مغتنم است و از آن گزیری نیست ولی متعمداً مته به خشخاش گذاشتن و اشتباه کوچک را عیب بزرگ قلمداد کردن، ایراد بی جا گرفتن و شدت لحن به خرج دادن و احیاناً فحاشی کردن به هیچ وجه شایسته مقام تحقیق ادبی نیست. این گونه اعمال را باید نکوهیده شمرد و عاملان آن را باید از جرگه پژوهشگران راستین خارج دانست.